

پیدایش هنر

سایع انسانی زاده احتیاج میابد . بشر از همان آغاز پیدایش خود دست به آلات و ابزار و سلاح برده ، لباس بر قامت خود دوخته و برای مصون ماندن از گزند حیوانات وحشی برای خود خانه و آشیانه ساخته است .

قصری را در نظر آوریم . بنائش است که بجای مسکن و مأوای امنی میشود از آن

استفاده کرد . اما اگر ستونها و تزیینات و مجسمه‌های این کاخ را در نظر بگیریم خواهیم دید که این آثار هنری به احتیاج انسانی که « مسکن گرفتن در خانه » ای باشد « اضافه » شده است . در مجسمه‌ها ، پرده‌های نقاشی ، و دیگر تزیینات احتیاج بچشم نمیخورد . در اینجا جنبه هنری « جداگانه » بنظر میرسد . هنر همواره دو جنبهٔ تجمل و تفنن را بر ما میگذرد ، تجملی که برای تفنن است و تفننی که جز با تجمل بدست نمی‌آید . این هنرهای « اضافه شده » بر احتیاج یا « جدا » ی از آن ، صورت آزاد و باقطع نظر از استفاده حاصل دسترنج انسانی است ، زیرا منظور در اینجا اذعان بک احتیاج آبی نیست بلکه بیدار ساختن احساس تأثر ، پرستش ، لذت ، کنجکاری و گاهی هم وحشت میباید . زیرا هنر پدیدم‌ای است اجتماعی و هیچ جامعه‌ای ولو بدوی‌ترین قبایل از هنر غافل نبوده است . نقوش رنگارنگ و وحشت انگیزی که افراد قبایل وحشی بر روی پوست بدن خود خالکوبی میکنند خود لطفه‌ای از هنر است .

آثار هنری که از انسان ماقبل تاریخ بدست آمده بقدری باستانی است که میتوان گفت هنر با انسان یکجا در جهان زاده شده است . نیزه‌ها و خنجرهایی بانوک مثلثی شکل یا بیضی‌معلق بزمانهای پیشین بدست آمده‌است که علاقهٔ انسان این دورها به «قرینسازی» که هنوز بر روح و فکر انسان متعین نیز تسلط دارد ، میرساند . استخوان و شاخ و پوست حیوانات از بزرگترین وسایل و مصالح هنری بوده است . انسان این دوره از رنگهای تند خوشش می‌آمده و بدش را رنگ مینموده‌است ، انسان بدوی در نقاشی بارنگهای مختلف بسیار چیره دست بوده ، در پناهگاههای انسان غار یعنی آثاری از این نقاشیها بدست آمده که هابهٔ اعجاب میباید . البته نظریهٔ این نقاشیها عالی نیست ، در آن زمان نیز مانند هر دورهای هنرمند متوسط و نابغه وجود داشته است اما قسمتی از نقاشیهای این دوره شاهکار میباید . انسان این دوره نیز شاید مانند انسان دورها با توفیق و سلیقهٔ هنری بجهان آمده بود اما نه در آن دوران و نه در هیچ دورهای هیچکس هنرمند زاده نشده و زاده نخواهد شد .

در نقاشیهای دوره های ماقبل تاریخ و دوره های بعد میتوان حتی نخستین نمونه های پرستش و ستایش حیوانات و ابتدائی‌ترین نشانه های پیدایش مذهب را دید . هنر-شناسان و هنر مندان کنونی ار اعجاز و جادویی هنر سخن بسیار میگویند اما ملل ماقبل تاریخ و حتی ملل بعد از این دوره آنرا قبول داشتند . در این دوره نقاشیهای عظیمی از کوزه‌های شمالی ، ماهیها ، و گاو های عطیله‌الجنه و حیوانات دیگر شکاری بچشم میخورد

نقاشی ماقبل تاریخی
بر دیوار غارهای آلتامیرا در شمال اسپانی
۲۰-۱۵ هزار سال قبل

که بر دیوار های غار هامنفوش است و عجب آنکه بشر اولیه فقط در بر تو مصنوعی که از
 آتش دود آلود مشعلها برمیخاست میتوانست این نقش و نگارها را بر دیوار غار خویش نقش نماید.
 شیعا وقتی انسان شکارچی به غار خویش پناه میبرد در زیر نور و دود مشعلها شکار
 خود را به پیش میکشید ، عکسهای منقوش بر سنگها را تماشا میکرد و با نظری حقیقتناش
 و سیاسیگزار به آنها خیره میشد و گمان میکرد که علت توفیق او در شکار حیوانات و چشیدن
 لذت گوشت چرب آن بسته بوجود این نقش و نگار هاست که در شب بخشایش تجلی میکند .
 از همین جا باید ردیرستش حیوانات را در ملل باستان مخصوصاً مصر و آشور یافت
 احتیاج انسانی ابزار و آلات و بعد هنر را بوجود آورد ، هنر مقدمه پرستش گردید ،
 پرستش دین را بوجود آورد و ستایش هنر همواره چون مقدمه ترین ستایشهای انسانی
 برجای ماند .

آینه آخ - ر

سرگذشت آجر های مسجد سپهسالار

میگویند سپهسالار اعظم زمانی که مسجد معروف سپهسالار را بنا
 می نهاد هر روز بعد اجناس کش میگرد و دو مورد کلبه عملیات ساختمانی و تهیه
 مصالح نظارت دقیقی مبذول میداشت . از جمله دسر کوره و در مورد آجر
 هائیکه میبایست در نمای بنای مسجد بکار رود میزان دقت و احتیاطی بیشت
 میشد . وقتی کار گران گل را بهت میامیختند تا از آن خشت زده شود و آن
 خشتها در کوره با آجر مبدل گردد سپهسالار از کسهای که بهمرام داشت
 چند مشت شاهر سفید بیرون میآورد و بر روی هر یک از توده های گل
 میپاشید (مادش بخیر آرماترمان شاهر سفید هم برای خود ارزشی داشت)
 و آنکاه از کار گران میخواست تا گل را با درمگر خوب بهم زنند تا شاهرها
 کاملاً ناپدید گردید . و کف نوبت بکار گران بخشعال میرسید با آنها میگفت
 هر کس هر چند شاهر سفید پیدا کند میتواند آنرا برای خود بردارد .
 طبعاً خشت مالان در جستجوی شاهر سفیدها بر میآمدند و گل هر قالب
 خشت را با فشار از میان انگشتان دست در میگردند تا غنیمتی شبیشان شود .
 با این تدبیر ذرات گل کاملاً درهم میآمیخت و آجری که با چنین خشتی
 ساخته میشد دوام و استحکام مییافت . استحکام و استواری مسجد سپهسالار
 خود شاهد این مدعاست . خدایش پیامرزد که هم کار خوب میخواست و
 هم کار گران را مینواخت تا با خوشدلی بکار پردازند .